

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۷ مرداد ۹۲

شکر خالق یکتا را که در آفرینشش نام با عظمتش را خالق کل شیء نامید تا مخلوقاتش بر یک محور گرد آیند و همان‌گونه که وعده‌ی خالقشان است به منزلگاه خویش مراجعت کنند بنابراین برای پرستشش قبله‌ی واحدی را برگزید و همگان را به رو آوردن به آن فرمان داد و در کتابش فرمود: ﴿ پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد ﴾ (آیه‌ی ۵۵ سوره اعراف)

متجاوز کیست؟ چه نقشی را ایفا می‌کند که از دایره‌ی رحمت پروردگارش خارج می‌شود؟ جانش در حلقه‌ی اسارت کدامین فرمانده است که تمام مدال‌های عزتش را ربوده و او را که نامش خلیفه بوده به یک فرد متجاوز به حریم خلقت معرفی می‌کند؟ افسوس که دست‌های شیطان برای گرفتن امانت الهی که در صندوقچه‌ی جان آدمیان به ودیعه نهاده شده همواره گشوده است تا این امانت را بر باید و جان خلیفه‌ی الهی را در ورطه‌ی خشم خالقش گرفتار سازد. بنابراین برای رهایی از این دام خطرناک باید تضرع کرد؛ تضرع چیست؟ سر بر سجده گذاردن است؟ اشک ندامت ریختن است؟ توبه و بازگشت است؟ چگونه می‌توان به فرمان الهی تضرع کرد؟ دست به دامن کبریایی‌اش می‌گشاییم، پروردگارمان، ما تضرع را از پدرمان آنگاه که فرمود: ﴿ ای پروردگار، ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری از زیان دیدگان خواهیم بود ﴾ (آیه‌ی ۲۳ اعراف) آموختیم پس نهان ما نشان از این تضرع دارد.

امشب جان عالم در عروج جانی ملکوتی در ناله و فغان است؛ آیا فغانش را می‌شنویم؟ اگر بتوانیم دریچه‌ی قدر را بگشاییم قادر خواهیم بود تا فغان عالم را که به صدایی بلند فریاد می‌زند و می‌گوید: آنگاه که پروردگارم فرمود: در آنجا زندگی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آن بیرون آورده شوید را در غیب جامان بشنویم. من برای زندگی به زمین آمدم و از هدایت‌گرانم بازگشتش را آموختم؛ باید

سوار بر کدام وسیله بازگردم؟ بال‌های ملکوتیم را شیطان ربود اینک پروردگارم ساعاتی را برای باز پس گرفتن این بال‌های ملکوتی برایم تعیین فرموده تا بار دیگر صاحب این بال‌ها گردم و به سویش به پرواز درآیم آنگاه به صبحی برسم که در آن ظلمت جهل افسانه شود و من از خاکی که بدان خو گرفته بودم بیرون آیم و معنای به خدای کعبه که رستگار شدم را دریابم. شب قدری که نوید نجاتش در طلوع صبحی نهفته است که دیگر جهلی در فرو کشیدن جانم به سوی خود باقی نمانده؛ من از دایره‌ی شیطان نفسم رها شدم و توانستم بار قدر را بردارم؛ صدای فرشتگان الهی را که مرا به آن نوید می‌دهند می‌شنوم پس پاسخ می‌دهم: ای پروردگارم، رمز شهادت بهترین برگزیده‌ات در این شب چیست؟ چگونه جان با عزتش توانست بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند و بر ملکوت سفر کند و من در تمام سال‌های عمرم در چنین شبی بر این عروج ملکوتی بر سر و سینه زخم و نامش که اسماء حسنی است با گریه و تضرع بخوانم؛ اینک به رمزش آگاه شدم و آن صبح را که دیگر در پیش شبی ندارد را شناختم.

فرق بندگی اگر نشکافتد نمی‌تواند بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند پس ای پروردگارم این سر پر شور را که به تمنای رسیدن به وعده‌های قدر نشین این شب است را دریاب تا توان تحمل مصیبتی را که جهل جاهلان دهر بر جانم هموار نموده است را بیابم و آن‌چنان ناله کنم که مرا با نام علی مدد کنی و دست ناتوانم را در دستان یداللهیات از لغزش گناه نجات بخشی پس با تضرع که رمزش را آموختم فریاد می‌زنم:

اللهم عجل لولیک الفرج